

*A New Etymological Vocabulary of Pashto*, G. Morgenstierne, J. Elfenben, D. N. MacKenzie and N. Sims-Williams. Wiesbaden: Reichert Verlag, 2003, 140 pp.

زبان پشتو یکی از زبانهای ملی کشور افغانستان است و اقلیت درخورد توجیهی از مردم پاکستان نیز به آن تکلم می‌کنند. زبانی است کهن از خانوادهٔ زبانهای ایرانی با گنجینه‌ای از واژگان فوق‌العاده متنوع. علاوه بر بسیاری واژه‌های بازمانده از ایرانی باستان و بنابراین از هند و اروپایی آغازین، لغات بسیاری از زبانهای دیگر، از یونانی باستان گرفته تا فارسی و هندی امروزی در زبان پشتو راه یافته‌اند.

فرهنگ ریشه‌شناختی پشتوی گورگ مورگنشتیرنه (۱۹۷۸-۱۸۹۲) که در ۱۹۲۷ در آسنو به چاپ رسید، نخستین اثری است که به شیوه‌ای روشمند و فراگیر به تحقیق دربارهٔ این خویشاوندی چندلایهٔ زبانی می‌پردازد. مؤلف بعد از انتشار کتاب، برای تکمیل کارش، به جمع‌آوری اطلاعاتی پرداخت ولی مرگ او در ۱۹۷۸ این تحقیقات را ناتمام گذارد. اینک، پس از ۲۵ سال، با تلاش سه متخصص برجستهٔ زبانهای ایرانی، چاپ کاملاً جدیدی از فرهنگ ریشه‌شناختی پشتو منتشر شده است. شالوده و بنیان فرهنگ جدید همان کتاب مورگنشتیرنه و نیز یادداشتهای دستنویس وی است، اما اطلاعات تازه و چشمگیری دربارهٔ زبانهای هند و آریایی و زبانهای ایرانی میانه، مانند بلخی و خوارزمی، امروز در دست است که اطلاعات پیشین را غنی‌تر کرده است.

این اثر جایگزین کتاب مورگنشتیرنه است و در کنار کار دیگری از همین نویسنده، با نام فرهنگ ریشه‌شناختی گروه سُغنی (همین ناشر، ۱۹۷۴)، مرجعی موثق و نو در زمینهٔ تاریخ زبانهای افغانی به شمار می‌رود. همچنین فهرست کامل همهٔ واژه‌های مأخوذ از زبانهای هند و آریایی که در انتهای کتاب مندرج است به کار محققانی که به زبان پشتو با دیگر زبانهای ایرانی آشنایی ندارند خواهد آمد. گورگ مورگنشتیرنه استاد ممتاز لغت‌شناس در دانشگاه اسلو و صاحب‌نظری بی‌بدی در گویش‌شناسی ایرانی و هند و ایرانی بوده است. بیشتر آثار وی در زمینهٔ زبانهای افغانستان و زبانهای

نازه بافته شده هند و ایرانی است و نیز گویشهای مهجوری که در مرزهای افغانستان و پاکستان رواج داشته و برخی‌شان برای نخستین بار معرفی و توصیف شده‌اند.

ویرایش و تدوین دوباره این اثر را مرحوم مکنزی (استاد ممتاز لغت‌شناس دانشگاه گوتینگن) آغاز کرد و دو تن از ایران‌شناسان و زبان‌شناسان برجسته، نیکلاس سیمز-ویلیامز و یوزف ایلنباين، آن را به انجام رساندند و انتشارات رایشرت در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) آن را به چاپ رسانده است.

*The Persian Empire from Cyrus II to Artaxerxes I.* trans. and ed. with notes by Maria Brosius, UK: Lactors, 2000, 100 pp.

شاهنشاهی هخامنشی از کوروش دوم تا اردشیر اول عنوان کتاب کوچکی است که برای استفاده آموزگاران و پژوهشگران تاریخ هخامنشی نوشته شده است. ترجمه متون گزیده‌ای مربوط به دوره هخامنشی و منتخباتی از نویسندگان یونانی-لاتینی درباره آن دوران محتوای کتاب را تشکیل می‌دهد. همچنین توضیحاتی درباره این منابع و نویسندگان آنها و نیز واژه‌نامه‌ای کوچک در آن گنجانده شده. متونی که نویسنده برگزیده فقط به آن بخش از تاریخ شاهنشاهی هخامنشی مربوط می‌شود که آثار بیشتری از آن بر جا مانده. این متون از نظر زمانی در دو بخش آغازین کتاب جای گرفته‌اند: این دو بخش از کوروش تا به تخت نشستن کمبوجیه و از جلوس داریوش تا مرگ اردشیر اول در ۴۲۴ ق م را در بر می‌گیرد. بخش سوم، که کوتاه‌تر از دو بخش دیگر است، به سلطنت، سازمان اداری شاهنشاهی، زنان درباری، سفر در قلمرو شاهنشاهی و دین مربوط می‌شود.

گرچه نویسنده سلیقه خود را ملاک انتخاب متون قرار داده و همه اسناد را گردآوری نکرده، مجموعه‌ای در مورد کتیبه‌ها فراهم آورده که طبقه‌بندی موضوعی جدید دارند. همچنین قطعاتی از متون غربی همراه با تفسیرهایشان بر آن افزوده که کار را برای متخصصان سهل کرده و اسناد وسیعی از مصر و آسیای صغیر تا افغانستان در اختیارشان می‌گذارد.

این کتاب، پس از کتاب زنان هخامنشی که در همین بخش معرفی آن را می‌خوانیم، دومین کتاب از همین نویسنده است که ترجمه فارسی آن به قلم همان مترجم در دست است.

زنان هخامنشی، ماریا بروسیوس، ترجمه هایدو مشایخ، تهران: هرمس، ۱۳۸۲، ده+۲۶۵ ص.

زنان هخامنشی، که عنوان اصلی آن در زبان انگلیسی زنان ایران باستان است، در واقع، پایان‌نامه دکترای مؤلف بوده که در ۱۹۹۱ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آکسفورد از آن

دفاع شده و در ۱۹۹۶ در مجموعه «تک‌نگاشتهای کلاسیک آکسفورد» منتشر شده است. تلاش بروسیوس در این اثر عمدتاً معطوف به نقد گزارشهای یونانیان باستان و تاریخ‌نگاران آنها از تاریخ هخامنشی به طور عام و، در این مورد خاص، زنان درباری هخامنشی بوده است. بروسیوس، با اتکا به یافته‌های تازه از الواح باروی تخت‌جمشید و متون حدید بابلی، به بطلان یا جرح و تعدیل روایت‌های یونانی برآمده و همچنین کوشیده است اثبات کند که داوری و نگاه یونانیان به زنان درباری هخامنشی متأثر از سبک زندگی مرسوم و متداول در میان زنان یونانی بوده و از این روی توانسته‌اند واقعیت‌های زندگی و زمانهٔ زنان دربار هخامنشی را بازنمایند. او در مقدمه‌اش می‌گوید: «درک ما از موقعیت زنان در دربار هخامنشی بیشتر متکی است بر اطلاعاتی که از هرودوت و مورخان بعدی یونانی به دست می‌آوریم و اینها عمدتاً منحصر است به اشارات پراکنده‌ای در باب اعمالی که به زنانی چند از اندرون شاهی پارس نسبت داده‌اند. این شواهد، با همهٔ قلت، به تعمیمهایی دربارهٔ زنان درباری انجامیده است که در زیر پوست مغزی ندارند و سطحی‌اند.» تصویری که یونانیان از زنان دربار هخامنشی به دست می‌دهند تصویر زنانی است مقتن و مداخله‌گر در کارهای سیاسی و مملکت‌داری. اما بروسیوس، بر مبنای اطلاعاتی که از الواح بارو کسب کرده، زنان دربار هخامنشی را دارای موجودیتی مستقل و ابزار قدرت‌نمایی شاه می‌داند. این زنان از لحاظ اقتصادی به خود متکی بودند و در سفر و حضر بری خود برنامه‌ریزی می‌کردند؛ املاک ثبت‌شدهٔ بسیاری در سراسر ملک در اختیار داشتند و تسکیلات مستقلی هم برای ادارهٔ این املاک.

کتاب *زنان هخامنشی* در چهار بخش تدوین شده است. بخش اول، با عنوان «القاب بانوان درباری»، دربارهٔ القاب این زنان و نسبت‌های آنها با شاه و نیز القاب زنان غیردرباری است؛ بخش دوم، با نام «ازدواج‌های سلطنتی»، دربارهٔ ازدواج‌های شاهان هخامنشی و شاهزاده خانمها با انگیزه‌های سیاسی و نقش زنان در اعمال سیاست داخلی شاه است؛ بخش سوم، به نام «زنان درباری و دربار هخامنشی»، به قدرت و نفوذ سیاسی زنان درباری و نقش و فعالیت اجتماعی ایشان می‌پردازد؛ بخش چهارم نیز، با عنوان «زنان و اقتصاد و ایران»، به نقش اقتصادی زنان درباری، املاک و نیروی کارشان، نقش زنان غیردرباری و طبقه‌بندی کارگران و سازماندهی مالی و تقسیم نیروی کار اختصاص دارد. همچنین یادداشتهایی در توضیح مطالب متن در پایان هر بخش آمده است. ترجمهٔ روان و درخور چنین متن فنی و خاصی از مزایای کتاب است و فقدان فهرست‌های اسامی و کتابنامهٔ مفصل منابع باستانی و متأخر نیز نقیصه‌ای است که در چاپ فارسی به چشم می‌خورد.

دستور زبان و گزیده متون اوستایی، ویلیامز جکسون، با پیشگفتار فارسی حسن رضائی باغبیدی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.

این کتاب مجموعه تجدید چاپ شده از دو اثر آبراهام والتین ویلیامز جکسون (۱۸۶۲-۱۹۳۷)، ایران‌شناس، هندشناس و استاد زبانهای هندو ایرانی است. جکسون در ۱۸۹۲، دستور زبان اوستایی در مقایسه با سنسکریت را منتشر کرد و یک سال بعد، در ۱۸۹۳، گزیده متون اوستایی را به چاپ رساند که با وجود گذشت یک قرن از انتشار آنها، همچنان ارزش و اعتبار علمی خود را حفظ کرده‌اند.

دستور زبان اوستایی، بنا به گفته جکسون در مقدمه مؤلف، براساس چاپ انتقادی گلدنر از اوستا تدوین شده و برای مقایسه گویشهای گاهانی و اوستایی متأخر با سنسکریت، کتاب دستور زبان سنسکریت وینی را الگو قرار داده است. در مورد آوانویسی واژه‌های اوستایی نیز همان شیوه‌ای را که خود در کتاب الفبای اوستایی و آوانویسی آن (۱۸۹۰) به کار برده اساس قرار داده است. دستور زبان اوستایی با چهل و هشت صفحه پیشگفتار و مقدمه درباره زرتشت و اوستا، نمونه‌هایی از متون اوستایی به خط اوستایی همراه با آوانویسی و ترجمه، پیشنهادها و راهنمایی‌هایی برای نوآموزان زبان اوستایی، فهرست منابع مهم، فهرست مطالب و فهرست نشانه‌های اختصاری آغاز شده و سپس چهار بخش اصلی کتاب در ۲۷۳ صفحه و با عنوانهای آواشناسی، صرف، صرف‌ناپذیرها و واژه‌سازی قرار گرفته‌اند. فهرستهای راهنما و افزوده‌ها و اصلاحات از ضمایم کتاب بوده است. جکسون در همان مقدمه دستور زبان اوستایی خبر از انتشار کتابی می‌دهد با نام اوستا برای مبتدیان، که شاید گزیده متون اوستایی که در ۱۸۹۳ منتشر کرده در واقع همین کتاب بوده است (به نقل از ص ۱۵ پیشگفتار فارسی). گزیده متون اوستایی، که جزء دوم این مجموعه را تشکیل می‌دهد، با عنوان اصلی *Avesta Reader, First Series: Easier Texts, Notes and Vocabulary*، حاوی متون کوتاه و ساده‌ای است که از اوستای متأخر برگرفته شده و در واقع مکمل دستور زبان اوستایی است.

البته، جکسون در مقدمه می‌افزاید که قصد داشته جلد دوم این مجموعه را به متون بلندتری از اوستا اختصاص دهد که خواسته‌اش هرگز تحقق نیافت. گزیده متون اوستایی در هفت صفحه مقدمه و فهرست و ۱۱۲ صفحه بخشهایی از یسن‌ها، ویسپرد، یشت‌ها، و ونیدید/د همراه با یادداشتها و واژه‌نامه جزء دوم مجموعه را تشکیل داده است.

پیشگفتار موجز و عالمانه حسن رضائی باغبیدی بر این مجموعه اطلاعات گرانقدری از زندگی و آثار جکسون، زبان اوستایی و نیز معرفی هر دو اثر به دست می‌دهد.

تاریخ و فرهنگ ساسانی، تورج دریایی، ترجمه مهرداد قدرت دبزجی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲، ۱۷۶ ص، مصور.

ترجمه فارسی دوازده مقاله از تورج دریایی، استاد تاریخ باستان در دانشگاه اباتی کالیفرنیا، که بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ در نشریات بین‌المللی منتشر شده بوده در کتاب تاریخ و فرهنگ ساسانی گرد آمده است.

این مقاله‌ها، همان‌طور که نویسنده در پیشگفتار توضیح می‌دهد، حاصل مطالعات وی در سه زمینهٔ زبانهای هندواروپایی، تاریخ، و آموزش و استفاده از فرهنگ مادی است. بنابراین، این مجموعه با محوریت سه موضوع اهمیت متون پهلوی برای شناخت ذهنیت ایرانیان، تاریخ فرهنگی و فکری ساسانیان و سپس سکه‌شناسی و کاربرد آن در شناخت تاریخ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تدوین شده است.

عنوان تعدادی از مقاله‌های این مجموعه عبارت است از: «یادداشتی دربارهٔ نخستین القاب ساسانیان»، «ماندگاری یک لقب باستانی در آسیای میانه»، «تأثیر جنگ داخلی بر ضرب سکه در شاهنشاهی ساسانی»، «استفاده از تبلیغات دینی-سیاسی در سکه‌های خسرو دوم»، «منابع تاریخ اقتصادی فارس در اواخر دورهٔ ساسانی»، «تاریخ ملی یا تاریخ کیانی»، «ایران ساسانی»، «معادشناسی زردشتی بنا بر متون فارسی میانه»، «منابع ایرانی میانه برای مطالعهٔ اوایل دورهٔ اسلامی».

شاهنشاهی ساسانی، تورج دریایی، ترجمه مرتضی ناقب فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳، ۲۲۲ ص، مصور.

با گذشت شصت سال از انتشار ایران در زمان ساسانیان آرتور کریستن سن، که تنها اثر موثق و جامع دربارهٔ تاریخ ساسانیان به شمار می‌رفت، اینک اثر جدیدی دربارهٔ این دورهٔ پیچیده از تاریخ باستانی ایران منتشر شده است. این کتاب، که در اصل برای خوانندگان انگلیسی‌زبان نوشته شده بوده، «طرحی است کلی از تاریخ ساسانیان». دریایی به گفتهٔ خودش از جمله مورخانی است که به تاریخ جامع اعتقاد دارد و برای درک تاریخ هر قوم، درک تاریخ، زبان، دین، جامعه و ... آن قوم را لازم می‌داند. بنابراین، وی با احاطه بر آگاهیهای تاریخی از این دوره و آشنایی با دانش سکه‌شناسی کتابی نسبتاً کوتاه، اما محققانه فراهم آورده که به بررسی مباحثی چون تاریخ سیاسی، دین، اقتصاد و سازمان اداری، زبان و ادبیات و جامعهٔ ساسانی می‌پردازد. ترجمهٔ روان و دقیق کتاب نیز بر ارزش اثر افزوده است.

مغان در تاریخ باستان، هایده معیری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱+۹۰.

در این کتاب، وضعیت طبقه‌های اجتماعی که در طول تاریخ ایران و نیز در اندیشه و باورهای دیگر فرهنگها همواره هویتی ابهام‌آمیز داشته بازکاوی و بازشناسی شده است. نویسنده ابتدا پیشینه تاریخی و جغرافیایی اقوام هند و اروپایی را می‌گشاید و براساس اطلاعات زبان‌شناختی و تحلیل ساختار اجتماعی اقوام مزبور، باورها و اندیشه دینی آنها را بررسی می‌کند. سپس از روحانیت و نقش روحانیان در میان طبقات اجتماعی ایران و هند اطلاعاتی به دست می‌دهد و با مرور مآخذ کهن رومی و یونانی، رد مغان را در تاریخ پی می‌جوید. آنگاه، با توصیف و تطبیق اقوال مورخان باستان و متأخر و تشریح نوشته‌های کتیبه بیستون، به واقعه به تخت نشستن داریوش و نقش گئوماتا، مغ غاصب در این داستان، اشاره می‌کند و داستان‌پردازی یونانیان درباره پایان دوران فرمانروایی گئوماتا و واقعه کشتار مغان به دست داریوش و یارانش را باز می‌گوید و نظر صاحب‌نظران معاصر را در این مورد نقل می‌کند. در بخش دیگر، با شرح مهاجرت مغان به بین‌النهرین و آسیای صغیر، اهمیت این مهاجرت را در آشنایی مغان با برخی آسناهای بابلی و بخشهای دیگر جهان سامی برمی‌شمرد و از تأثیر تفکرات و آموزه‌های کلدانی، یونانی و بابلی در مغان پیش‌زرتشتی که «مغان کلدانی - غربی» و «مغان زروانی» می‌نامدشان سخن می‌گوید. مبحث بعدی به پیوند مغان و پدیده جادو اختصاص دارد و در آن روایت‌های مکتوب کلاسیک که از مهارتهای خاص مغان در خوابگزاری و غیبگویی و آگاهی‌شان بر علوم رمزی و فنون سحر و جادوگری و اخترشناسی سخن گفته‌اند بررسی می‌شود. به نظر وی، در اذهان قدمای شرق و غرب، مغان روحانیان و فیلسوفان دینی بوده‌اند که زرتشت بنیانگذار آن بوده، اما به تدریج این نام در معنای ثانوی نازلی به معجزه‌گر و پیشگو تعبیر شده است. در واقع، از قرن اول میلادی به بعد، این کلمه با شکل سریانی خود - مجوسیه - به جادوگران و پیشگویان بابلی اطلاق می‌شده. نویسنده در آخرین بخش کتاب به روایات متون انجیلی درباره مغان می‌پردازد و یادآور می‌شود که واژه مجوس در اغلب عبارات متون مقدس در معنای ثانوی‌اش ذکر شده که با شاغلان حریف پیشگویی، موهوم‌پرستی و جادوگری مرتبط است، اما «الهامات تنویض شده به این مردان در نهایت ما را بر آن می‌دارد که صورت به کار رفته در انجیل متی را فقط در بافت معنایی مثبت خود یعنی روحانیون زردشتی ببینیم.» وی مبدأ حرکت این مردان را، که در انجیل متی «مشرق» آمده، همان ایران بزرگ می‌داند که در آن زمان زیر حاکمیت شاهنشاهی اشکانی، حریف دیرپای روم، بوده و معتقد است صراحت این توجیه، گذشته از نکات جغرافیایی آن، با روایات اولیه و متعارف مسیحیت نیز منطبق است. کتابنامه مفصل، که حاکی از مطالعه مستند و علمی مؤلف است، و فهرست اعلام، که به کار خواننده محقق می‌آید، از بخشهای پایانی کتاب‌اند.